

# شبیه سازی انسان در آئینه حقوق جزای بین الملل:

## ملاحظات مقدماتی

محمد جعفر ساعد<sup>۱</sup>

### اشاره

شبیه سازی، پدیده‌ای نوین و پیچیده حاصل از رشد علوم و فن آوری و فن آفرینی به ویژه رشد علم ژنتیک است که به واسطهٔ برایندهای آن به ویژه زمزمه های اعمال آن در خصوص بشر، اجتماع انسانی را با موجی از بیم و امید مواجهه نموده است. این پدیدهٔ نوظهور که با اهداف دوگانهٔ کلی توالدی و پژوهشی تا بدین امروز، سعی در به دنیا آمدن در مرحله عملی دارد، اندیشمندان و متفکران علوم مختلف و بازیگران اجتماع بشری را به پاسخ و واکنش واداشته است. در این نوشتار به سیاست جنایی بین المللی (با محوریت سازمان ملل متحد) در قبال این پدیده به عنوان واقعه ای مجرمانه (جنایت) در آئینه حقوق جزای بین الملل پرداخته می شود.

### مقدمه

اگر چه نمی توان تأثیر حقوق را بر اخلاق نیز منکر شد - لذا، در پرتو واکنش های اخلاق و ادیان در قبال این فن آوری، حقوق و اندیشمندان حقوقی تحت تأثیر این پاسخ ها، به اتخاذ تدابیر همت گمارده اند. فی الواقع، در تقابل رویکردهای اخلاقی و مذهبی مخالف با موافق، کفهٔ ترازو به نفع مخالفان است و این گونه رویکردی نیز در عرصه حقوق متعاقب و به دنبال بررسی این واکنش ها از سوی سوژه های حقوق بین الملل در صحنهٔ بین المللی و ملی، آنها را تولد شبیه سازی انسان و تلقی آن به عنوان جلوه ای از تکنولوژی های توالدی، کمکی در جهت توجیه آن و راهکاری برای کمک به زوجین نابارور، در عرصهٔ اجتماع انسانی به ویژه اجتماع انسانی مذهبی - دینی و نیز اخلاق، واکنش هایی را به همراه داشته که ماحصل آن تأثیر بر جامعه حقوقی است. از آنجا که حقوق هر اجتماعی، به نوعی برگرفته از اخلاق و رویکردهای مذهبی - دینی آن اجتماع است

اگر چه نمی توان تأثیر حقوق را بر اخلاق نیز منکر شد - لذا، در پرتو واکنش های اخلاق و ادیان در قبال این فن آوری، حقوق و اندیشمندان حقوقی تحت تأثیر این پاسخ ها، به اتخاذ تدابیر همت گمارده اند. فی الواقع، در تقابل رویکردهای اخلاقی و مذهبی مخالف با موافق، کفهٔ ترازو به نفع مخالفان است و این گونه رویکردی نیز در عرصه حقوق متعاقب و به دنبال بررسی این واکنش ها از سوی سوژه های حقوق بین الملل در صحنهٔ بین المللی و ملی، آنها را

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

در راستای مبارزه با شبیه‌سازی و بازآفرینی انسان از تصویب بگذارند. آنها به لحاظ ماهیت چند بعدی و پیچیدگی‌های قانونی این پدیده بر این عقیده بودند که باید کمیته ششم مجمع عمومی به طور کامل به این مسأله اختصاص یابد. پیشرفت‌های بیوتکنولوژی، امروز، مسایلی در مورد سلامتی آدمی و اندیشه‌های اخلاقی نوین را به منصفه‌ظهور می‌رساند. تا بدانجا که پژوهشگران و محققان را بر این قصد رهنمون شده است که در آینده نزدیک شبیه‌سازی و بازآفرینی را به موجودات انسانی نیز تسری دهند. حال آنکه این امر در قبال کرامت و هویت انسانی مشکلی اساسی و جدی تلقی می‌شود که ضرورت اقدامی فوری علیه آن را بیش از پیش گوشزد می‌کند. در حالی که امروزه، واقعیت امر این است که صرفاً تعداد اندکی از محققان و نهادهای علمی، قابلیت تکنیکی در اجرای چنین فعالیت‌هایی را دارند؛ تردیدی وجود ندارد که چنین اعمالی بر تمام خانواده انسانی تأثیر خواهد گذاشت.<sup>۲</sup>

از این روست که اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر در ماده ۱۱، بر این امر

<sup>۲</sup> - UN.DOC.A/56/192, p.2.

بر آن داشته که حداقل امروزه، بر رویکرد مخالف اعمال این پدیده در خصوص آدمی جنبه تقنینی بخشند و تا روشن شدن برایندهای مثبت یا منفی آن، جانب احتیاط را رعایت نمایند. ناگفته پیداست که در اتخاذ این گونه رویکردی از سوی تابعان حقوق بین‌الملل در عرصه بین‌الملل و در قالب سازمان ملل متحد و برخی از آنها در عرصه ملی، اقدامات سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و به ویژه کمیسیون حقوق بشر را نادیده گرفت.<sup>۱</sup> چرا که تأکید مؤکد بر کرامت انسانی و حفظ آن که یکی از استدلالات مسلم مخالفان اعمال این فن‌آوری است، خود گل‌واژه‌ای از اندیشه‌های نظام حقوق بشر یا حقوق حقوق بشر است که رعایت آن از سوی حقوق بین‌الملل بشر، بر تمامی دول و سوژه‌های حقوق بین‌الملل گوشزد گردیده است.

در هفتم اوت ۲۰۰۱، فرانسه و آلمان به سازمان ملل پیشنهاد دادند که معاهده‌ای

<sup>۱</sup>- تیموری، محمد، بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی درمانی انسان، در: اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی (مجموعه مقالات)، انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳، ص ۲۱.

حقوق بشر و به ویژه پیشگیری از خطر ناشی از این پدیده بر کرامت انسانی افراد و نگرانی تسری تحقیقات مربوط به شبیه‌سازی به انسان‌ها، قطعنامه مزبور را که مشتمل بر پیش‌بینی تشکیل کمیته آزاد ویژه‌ای در شصتمین کمیته جهت تنظیم دستور انجام چنین اقدانی و برگزاری آن بود به سازمان ملل پیشنهاد دادند.

متعاقب رایحه درخواست کمیته شصتم در قالب کارگروه به مجمع عمومی در خصوص تدوین معاهده‌ای در راستای منع شبیه‌سازی بازآفرینی انسان، دولت کاستاریکا، نیز، پیش‌نویس معاهده<sup>۵</sup> درمقابل با این پدیده را به دبیرکل مجمع عمومی رایحه داد با این تفاوت که پیش‌نویس مذکور همه اشکال شبیه‌سازی انسان را در بر می‌گرفت. در حالی که اکثر قریب به اتفاق اسناد مصوب مجمع عمومی در خصوص این فن‌آوری، صرفاً شبیه‌سازی بازآفرینی را شامل می‌شدند.

تأکید می‌نماید که اعمالی نظیر شبیه‌سازی بازآفرینی انسان، که مخالف کرامت انسانی است نایستی مجاز باشد<sup>۱</sup>.

در واقع، در پاسخ بدین چالش است که پیشنهاد اقدامی عملی در جهت تمهید سندی بین‌المللی در راستای منع همانند سازی تولید مثلی انسان از سوی این دو کشور رایحه شد. آنان به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد دادند که در پنجاه و ششمین جلسه خود، در خصوص تصمیم‌گیری مذاکراتی برای تهیه سندی بین‌المللی حقوقی مبنی بر منع همانندسازی بازآفرینی موجودات انسانی را در قالب قطعنامه پیشنهادی خود از تصویب بگذرانند.

بر این مبنا در کنار یادداشت تبیینی<sup>۲</sup> پیشنهاد مزبور، این دو کشور ضمن یادآوری اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر، قطعنامه ۵۳/۱۵۲، ۹ دسامبر ۱۹۹۸<sup>۳</sup> و قطعنامه ۲۰۰۰/۷۱<sup>۴</sup> کمیسیون

<sup>۱</sup> - اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به وسیله سازمان آموزشی، فرهنگی و علمی سازمان ملل (یونسکو) تهیه و در طی قطعنامه ۱۳۵۳/۱۵۲ از تصویب مجمع عمومی این سازمان گذشت.

<sup>۲</sup> - Explanatory memorandum .

<sup>۳</sup> - به موجب این قطعنامه، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به تصویب رسید.

<sup>۴</sup> - این قطعنامه تحت عنوان «حقوق بشر و بیراثیک» در پنجاه و هفتمین جلسه کمیسیون به تصویب رسید.

<sup>۵</sup> - UN.Doc.A./C.b/57/L.8 and Corv. 1

## بند اول: جرم انگاری شبیه‌سازی انسان، مفهوم، دامنه و مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال آن

پیش‌نویس کنوانسیون<sup>۱</sup> موصوف: پیرو فرآیند تکوینی پیشتر که در گفتار نخست از نظر گذشت، نظر به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و به ویژه ماده ۱۱ آن و قطعنامه شماره ۵۳/۲۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ که در آن مجمع عمومی اعلامیه پیشین را تصویب نمود و لحاظ قطعنامه شماره ۲۰۰۱/۷۱ مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۱ کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان «حقوق بشر و اخلاق زیستی»<sup>۲</sup> و همگام با اعلامیه جهانی حقوق بشر در راستای شناسایی کرامت و حیثیت ذاتی و تساوی حقوق لاینفک همه اعضای خانواده انسانی که شالوده آزادی، عدالت و منع در جهان است. و نیز با این اعتقاد که شبیه‌سازی انسان بر اساس هر مقصودی غیر اخلاقی و ناقص کرامت انسانی و حقوق اساسی بشر بوده و تحت هیچ شرایطی موجه و مقبول نمی‌باشد،

در راستای احترام به حقوق اساسی و مصالح افراد انسانی و رفع نگرانی‌های حاصل از مطالعات و اقدامات راجع به شبیه‌سازی انسان و جلوگیری از سوء استفاده از جسم آدمی و اعضای وی در راه کسب درآمد و منافع مالی، به عنوان اقدامی پایدار و دائمی در سطح بین‌الملل، از سوی کشور کاستاریکا تهیه و به مجمع عمومی و دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد شده است. این پیش‌نویس چهاررکن اساسی را در بر می‌گیرد:

الف) تعریف جرم شبیه‌سازی انسان (ماده ۲):

ب) تعهد دول عضو به جرم انگاری این فعلی و توسیع صلاحیت بر ارتکاب و مجازات یا استرداد مجرمان (مواد ۳، ۵، ۷، ۸)؛

ج) تعهد دول عضو به اتخاذ تدابیری در جهت پیشگیری از چنین افعالی من جمله نظارت بر آزمایشات مربوط به ماده ژنتیک انسان (ماده ۱۲)؛

د) سلسله مقرراتی در جهت تسهیل همکاری قضایی و پلیسی در این زمینه (مواد ۹ و ۱۰).

در این مقاله سعی بر آن است که محتویات و مسایل مقرر در این پیش‌نویس

<sup>۱</sup> - Draft international Convention on the prohibition of all from of human Cloning.

<sup>۲</sup> - Human Rights and bioethics.

موجودی زنده یا قبلاً زنده باشد، مرتکب جرم<sup>۱</sup> مشمول این معاهده شناخته می‌شود. در این مجال، در پرتو آموزه دو عنصری بودن جرم، عناصر مادی و معنوی این جرم مورد تدقیق و تحلیل قرار می‌گیرد.

### الف - عنصر مادی

در ادبیات حقوق کیفری خارج از موارد استثنایی و معین، جرم زمانی محقق می‌شود که در عالم خارج و واقعی، برای آدمی قابل لمس و مشاهده باشد. از این منظر، برای تحقق جرم شبیه‌سازی انسان، نیاز به عملی است که از سوی «مجرم» ارتکاب یابد و «موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد. پس، براین اساس، برای ارتکاب عنصر مادی این جرم وجود «فردی» برای ارتکاب آن و «عملی» که از سوی وی به منصبه ظهور برسد و خلق یک فرد به

<sup>۱</sup> لازم به یادآوری است که در ادبیات حقوقی کشورمان واژه جرم معادل offence و واژه جنایت معادل crime گرفته شده است و از سوی دیگر آنچه که در عرصه حقوق کیفری داخلی کشورها «جرم» انگاشته می‌شود در حقوق بین‌الملل «جنایت» نامیده شده است. در این نوشتار به واسطه بررسی و تحلیل پیش‌نویس از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی از واژه «جرم» و معادل‌های آن در جرم‌شناسی استفاده شده است.

به عنوان سندی که در آینده نزدیک تصویب و قابلیت اجرایی خواهد یافت، تحلیل و مورد امعان نظر قرار گیرد. نظر به اینکه پیش‌نویس معاهده مزبور، به جرم انگاری این فن‌آوری همت گمارده است (الف) و دامنه آن را به «شبیه‌سازی بازآفرینی یا تولید مثلی» محدود نموده و به تمامی اشکال آن تسری است (ب) و اشخاص حقوقی را در کنار اشخاص حقیقی مسئول انگاشته است (ج)، کوشش آن است در این بند به اجمال این موضوعات مورد مذاقه قرار گیرند.

### ۱- مفهوم شبیه‌سازی انسان از منظر طرح معاهده

آنگونه که آشکار و میرهن است؛ تهیه پیش‌نویس معاهده مزبور و اقدامات اتخاذی در این راستا، به منظور منع و یا به عبارتی صحیح‌تر، جرم‌انگاری این‌گونه از فن‌آوری‌های تولید مثلی است. در این راه تحقق این هدف، ماده ۲ پیش‌نویس به این مسأله اختصاص یافته است.

بر اساس این ماده، هر کس مرتکب اعمالی نظیر انتقال هسته سلول پیکری یا اشتقاق رویان شود که در نتیجه آن

که عمل مزبور، باید «ایجابی» باشد نه سلبی. بدین معنا که این جرم صرفاً در قالب عملی که در خارج روی دهد، محقق می‌گردد و به صورت ترک فعل نمی‌تواند به وجود بیاید.

در تعریف پیش‌نویس از جرم مزبور، در راستای تبیین هر چه بیشتر آن به مصادیقی از این اعمال اشاره شده است. از آنجا که در ماده مزبور قبل از بیان مصادیقی همچون انتقال هسته پیکری و انشقاق رویان، عبارت «از قبیل» آمده است، گویای این امر است که مصادیق مذکور جنبه تمثیلی دارد و گونه‌های دیگری را نیز که در آینده می‌تواند خلق شوند در بر می‌گیرد. در چهارچوب توجهی و تبیینی پیش‌نویس در این راستا چنین آمده است:

«عبارت «از قبیل انتقال هسته

سلول پیکری یا انشقاق رویان»

مقرر در پیش‌نویس به عنوان

مثال، دو تکنیکی است که

معمولاً در آزمایش‌های

شبه‌سازی اعمال می‌شود و

منحصر بدین دو تکنیک نیست

بلکه در خصوص منع هر گونه

تکنیک دیگری که ممکن است

عنوان حاصل و برآیند این فرآیند ضروری است.

- در ماده ۲ پیش‌نویس برای تحقق جرم همانند سازی آدمی به «هر کس» اشاره شده است که

- بیانگر این امر است که هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد. زیرا درلسان حقوقی، شخص «عبارتست از فردی که واجد حق و تکلیف است» یعنی واجد اهلیت تمتع و استیفاست و از آنجا که برای شخص حقوقی نیز مانند فرد حقیقی، چنین شخصیت حقوقی متصور می‌شود؛ لذا، می‌توان از واژه عام و مطلق صدر ماده مزبور، چنین استنباط نمود. از سوی دیگر، برهان دیگری که مدعای پیشگفته را تأیید می‌کند، ماده ۴ پیش‌نویس است که با

عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» آنها را

مستحق مجازات در صورت ارتکاب جرم

هماندسازی می‌داند.

- این شخص که می‌تواند حقیقی یا

حقوقی باشد، برای اینکه در ادبیات حقوق

کیفری، متهم و بزهدکار نامیده شود، باید با

«عملی» که گام ضروری ارتکاب جرم

است، به این فرآیند مجرمانه پایان دهد. در

این راستا، نگرش پیش‌نویس بر این است

در آینده به وجود آید، قابل

اعمال است.»

در لسان حقوق کیفری، به گونه‌ای، جرایم به مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. زمانی که عمل یا ترک عمل، واجد و مقید به نتیجه‌ای باشد، مقید و الا مطلق است. سؤالی که مطرح می‌گردد اینک، جرم شبیه‌سازی انسان بنابر تعریف مقرر شده در ماده ۲، نیازمند حصول نتیجه هست یا خیر؟ نظر به تعریف موصوف، عملی به جرم

شبیه‌سازی آدمی می‌انجامد که «خلق موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد و از این منظر تفاوتی ندارد که این موجود زنده در چه مرحله‌ای از رشد فیزیکی باشد. از این رو، جرم همانند سازی بشر، جرمی است «مقید» و تا زمانی که فعل ارتكابی منجر به خلق موجود زنده‌ای نشود، جرم مزبور تام تلقی نشده و از دامنه تعریف این جرم خارج می‌گردد. اما مسأله به همین سادگی نیست:

زیرا موجود زنده‌ای که به وجود می‌آید، بایستی عیناً به لحاظ ژنتیکی نیز مشابه فرد دهنده باشد. لذا علاوه بر اینکه فرآیند ارتكابی فرد بزه‌کار، نه تنها باید منجر به خلق یک فرد شود، بلکه باید مشابه فرد

دهنده هسته سلول پیکری نیز باشد. در این زمینه دو نکته قابل توجه است:

نخست اینکه، ذکر این عبارت «زاید» به نظر می‌رسد. زیرا فرآیند ژنتیکی شبیه‌سازی که از طریق انتقال هسته سلول پیکری یا حتی در انشقاق رویان صورت می‌گیرد، خواه نا خواه، شباهت مزبور را به همراه دارد و فرضی که در آن بتوان این «شباهت عینی» را متصور ندانست، تا به امروز، محقق نشده است.

دوم اینکه، این مسأله به نظر می‌رسد که دامنه جرم مزبور را «محدود» می‌کند و این ذهنیت را در افرادی که در جهت کسب مقاصد سیاسی یا اقتصادی‌اند، ایجاد می‌کند که در صدد ایجاد تکنیکی باشند تا این شباهت را به همراه نداشته باشد و از این طریق، مفسری برای رهایی از چنگال تیز عدالت کیفری بیابند.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست اینکه، پیش‌نویس با ذکر عبارت «در هر مرحله از رشد فیزیکی»، موجود زنده را به مرحله قبل از متولد شدن نیز تسری می‌هد. در چهارچوب توجهی پیش‌نویس، در این خصوص چنین تقریر شده است که:

در دنیای خارج گذران عمر می‌نماید و شبیه‌سازی موجودات انسانی شامل مرحله قبل از تولد فرد یعنی مرحله جنینی و حمل نیز می‌شود، با عبارت «در هر مرحله‌ای از رشد فیزیکی» که مندرج در تعریف این جرم در تضاد است.

- سؤالی که در این جا مطرح می‌شود اینکه اگر فردی اعم از حقیقی یا حقوقی با علم و عهد، مبادرت به شبیه‌سازی انسان به یکی از طرق مذکور در ماده ۲ پیش‌نویس و بدون اراده خود، به واسطه عوامل خارجی نتواند به قصد خود جامه عمل بپوشاند و فعل وی منجر به نتیجه مورد نظرش یعنی خلق موجود زنده نشده، قابل تعقیب و مجازات است یا خیر؟

در حقوق کیفری، برای حفظ نظم عمومی جامعه، گاهی اوقات، جدای از جرم تام پیش‌بینی شده، برخی افعال که در فرجام آن جرم تام محقق نمی‌شود، قابل تعقیب و فرد خاطی به واسطه انجام آن قابل مجازات تلقی می‌شود. از این رهگذر در کنار جرایم تام، نهادهایی همچون شروع به جرم، عقیم و محال پیش‌بینی شده‌اند. در این میان، سؤال مطروحه دلالت بر «شروع به جرم شبیه‌سازی انسان» دارد که در پیش‌نویس نیز به حق در

«عبارت» در هر مرحله‌ای از رشد فیزیکی «منع همه اشکال شبیه‌سازی را - عملی می‌سازد، زیرا عبارت مزبور، خلق ارگانیسم زنده را از اولین لحظه حیاتش منع می‌کند.»

به نظر می‌رسد که این عبارت واجد ابهام باشد. بدین بیان که نخستین لحظه حیات، چه زمانی است؟ آیا زمان انعقاد نطفه است یا زمان ارواح روح یا زمان تولد وی از مادر؟ اگر چه از منظر تهیه‌کنندگان پیش‌نویس این امر از بدیهیات بوده است، اما به لحاظ تنوع اندیشه‌ها در این خصوص ابهام همچنان باقی است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، پیش‌نویس این عبارت در تعریف این جرم عنوان کنوانسیون در تعارض باشد. زیرا در چهارچوب توجیهی معاهده، به صراحت بدین امر تأکید شده است که «عنوان پیش‌نویس شامل «شبیه‌سازی انسان» است نه «شبیه‌سازی موجودات انسانی.» لذا، رابطه این دو از نسب اربعه، عموم و خصوص مطلق است. یعنی شبیه‌سازی انسان اخص از دیگری است و از این منظر که شبیه‌سازی انسان شامل فردی است که در قید حیات است و



بند ۲ ماده ۲ بدان اشاره شده است. به موجب این بند:

«هر کس که به شروع به ارتکاب جرم مندرج در بند ۱ این ماده مبادرت ورزد، مجرم شناخته می‌شود.»

بنابراین بند، کسی که به شبیه سازی انسان اقدام نماید و به واسطه عاملی خارجی نتواند به نتیجه دلخواه خود برسد، مرتکب شروع به جرم شبیه سازی شده و عمل وی در حکم جرم تام، شبیه سازی انسان بوده و مجازات مباشر این جرم تام خواهد بود. زیرا با عنایت به بند مذکور، تفکیکی به لحاظ مجازات مابین مباشر جرم تام و شروع به جرم همانند سازی بشر وجود نداشته و هر دو «مجرم» تلقی شده‌اند.

اما آنچه که بدان اشاره شد، بزهکاری بود که خود مستقیماً مبادرت به ارتکاب عمل مادی این جرم می‌نمود و از منظر حقوق کیفری عمومی «مباشر» تلقی می‌گردید. بدیهی است در کنار «مباشر» در حقوق کیفری عمومی، «معاون» و «شرکاء» و «فاعل یا مباشر معنوی» نیز مطرح می‌شوند که در خصوص اکثریت قریب به اتفاق جرایم، حسب مورد، تعقیب، محکوم و

مجازات می‌شوند و در این زمینه، جرم شبیه سازی انسان مستثنی از این امر نیست.

بند ۳ ماده ۲ پیش نویس، در این خصوص اشعار می‌دارد:

«شخص مجرم محسوب می‌شود اگر:

الف) به عنوان شریک در یک جرم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده مشارکت نماید.

ب) دیگران را سازمان‌دهی یا هدایت به ارتکاب یکی از جرایم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده کند.

ج) در جهت ارتکاب یک یا چند گونه از جرایم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده با گروهی از افراد که با هدف مشترک فعالیت می‌کنند، همکاری کند. چنین مشارکتی عمدی تلقی خواهد شد خواه:

۱) به منظور پیشبرد فعالیت مجرمانه یا اهداف مجرمانه باشد، به طوری که چنین فعالیت و هدف مجرمانه‌ای منجر به ارتکاب جرم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده شود.

حدودی موجه تر و قابل قبول باشد. زیرا که میزان تأثیر و نقش مباشر و معاون در ارتکاب جرم برابر نیست و نقش مباشر، معمولاً نه همیشه مؤثرتر از معاون بوده و از این رو مستحق مجازاتی متفاوت از معاون است و از سوی دیگر چنین استنباطی مطابق با عدالت و انصاف است که هر کس به اندازه نقش و دخالتش، در چرخه عدالت کیفری پاسخ داده شود.

به علاوه می‌توان دیدگاه اخیر را در ماده ۳ پیش نویس نیز استنباط نموده که ضمن تأکید بر این مسأله که دول عضو باید در راستای به رسمیت شناختن این جرم در سطح ملی و داخلی، تعهد دهند؛ آنها را مکلف می‌نماید که نظر به شدت اهمیت جرم مقرر شده، خاطی یا بزهکار را مورد مجازات مناسب قرار دهند.

قسمت ب بند ۲ ماده مزبور، به سازماندهی و مدیریت گروهی برای ارتکاب شبیه سازی انسان از سوی یک شخص اشاره می‌کند و قسمت ج همین بند نیز به همکاری گروهی و سازمان یافته در راستای اقدام به ارتکاب این پدیده جنایی می‌پردازد که در آن فردی به صورت عمد و آگاهانه در راستای اهداف مشترک آن

(۲) آگاه به قصد این گروه به

ارتکاب جرم مقرر در بندهای ۱

و ۲ این ماده باشد.

قسمت بند مزبور، معاونت در ارتکاب این جرم را پیش بینی نموده است و وی را به عنوان «مجرم» مستحق تعقیب و مجازات براساس قوانین ملی می‌داند.

در این خصوص که آیا «مجرم» تلقی شدن معاون به معنای در حکم مباشر بودن است یا خیر، چند دیدگاه را می‌تواند مطرح کرد: نخست اینکه پیش نویس تفاوتی بین مباشر، معاون- و چنانکه در بندهای بعدی این ماده مقرر شده- و شرکاء قایل است و همه آنها را با عنوان «مجرم» مستحق مجازات واحدی می‌داند.

دیگری اینکه، منظور از «مجرم» مفهوم عام آن بوده و شامل کلیه مباشر، معاون و شرکاء می‌شود و یگانگی و دوگانگی آنها به اختیار دول عضو در حوزه حقوق ملی آنان واگذار شده است. با این توضیح که براساس سیستم کیفری حاکم بر دول عضو، هر دولت در راستای جرم انگاری آن پدیده، مختار باشد که مجازات واحد یا متفاوتی را برای مباشر، معاون و شرکاء برگزیند. به نظر می‌رسد که دیدگاه دوم تا

و ۲ ماده مزبور محقق گردد، ۱ ماده‌ای خواهد بود بر همکاری وی، جرم مقرر شده در بندهای علم و اطلاع متهم و مقصود وی که همانا پیشبرد فعالیت و اهداف مجرمانه آن گروه باشد. لذا، اگرچه در دعاوی کیفری، مقام عمومی و تعقیب عزم است که اتهام را ثابت نماید، در این گونه موارد، بار اثبات دعوا حالت عکس به خود گرفته و باید متهم عدم قصد خود را اثبات نماید. نکته آخر این که به لحاظ اشاره پیش نویس در موارد سه گانه بند ۳ ماده در خصوص شرکت، معاونت، سازماندهی و مدیریت یک گروه و تشریک مساعی با گروه مجرمانه و تفاوت آنها از نظر شدت و خفت و نیز عنایت به قسمت ب ماده ۳ که به تناسب مجازات بزهکار بر اساس شدت و اهمیت جرم می‌پردازد، می‌توان این چنین نتیجه گرفت که دول عضو مکلفند بر اساس حقوق داخلی خود، نظر به موارد مذکور، برای هر یک مجازاتی که درخور آن باشد؛ مقرر دارند.

#### ب- عنصر معنوی

گروه، بدین امر همت می‌گمارد. با این قید که عمل مزبور عمدی تلقی می‌شود و افاده‌ای نمی‌کند که آیا وی به منظور پیشبرد فعالیت یا اهداف مجرمانه گروه همکاری کرده است یا اینکه از اهداف و مقاصد گروه مذکور مطلع بوده است. در نتیجه، در صورتی که فردی بدون علم و آگاهی بر این امر که در حال همکاری با گروهی است که مبادرت به شییه‌سازی انسان می‌کند، مشمول این بند از ماده ۲ پیش‌نویس شده و همین ترتیب است زمانی که فرد در راستای پیشبرد اهداف و فعالیت‌های مجرمانه گروه به همکاری با آن اقدام نکند.

این مورد، گرچه در بادی امر مخالف اصول حقوقی است و عنصر روانی جرم در این موارد موجود نیست اما به خاطر اهمیت موضوع و خطر اجتناب ناپذیر آن، اتخاذ شده است. از آنجا که در مقام اثبات - عدم قصد به پیش‌نویس بردن فعالیت و همکاری فرد در جهت به پیش‌بردن مقاصد و فعالیت‌های مجرمانه گروه را عمدی محسوب نموده به همین خاطر، در فرضی که شخص به همکاری پرداخته و در اثر همکاری وی، جرم مقرر شده در بندهای ۱

یا معنوی جرم به دو بعد تقسیم می‌شود:  
سوءنیت عام و سوءنیت خاص.

سوءنیت عام به معنای قصد فعل است و سوءنیت خاص نیز برابر است با قصد نتیجه که در فعل جنایی موصوف، اقدام عملی بزهکار در راستای جرم شبیه سازی انسان، سوءنیت عام را تشکیل می‌دهد و قصد خلق موجود زنده، مبین سوءنیت خاص آن است. در واقع، سوءنیت خاص که خود سه رکن علم، آگاهی و اراده را دربرمی‌گیرد، بیانگر این است که فرد بزهکار، نخست، علم به نامشروع بودن عمل خود دارد. در ثانی، آگاه بر این امر است که عملی که بدان مبادرت می‌ورزد، از سوی مقنن به عنوان پدیده‌ای واجد مجازات پیش‌بینی شده است و بالاخره، با اراده خود بدان جامه عمل می‌پوشاند. از این رو زمانی که فردی با علم، آگاهی و اراده از طریق انتقال هسته سلول پیکری یا انشقاق رویان، به شبیه‌سازی موجودی زنده که عیناً مشابه با دهنده باشد، اقدام نمود و عمل مذکور به خلق موجودی زنده انجامید، وی مرتکب جرم شبیه‌سازی شده است و مشمول بند ۱ ماده پیش‌نویس می‌شود.

برای اینکه فعل یا ترک فعلی به صورت «جرم» ترسیم شود، علاوه بر رکن مادی، به علم و آگاهی فرد مرتکب به انجام عملی که نباید بدان مبادرت ورزد و ترک انجام عملی که می‌بایست بدان جامه عمل بپوشاند، نیاز دارد که در قالب «عنصر معنوی جرم» پدید می‌آید. اما این قاعده همیشه اعمال نشده و در مواردی چند پذیرای استثنائاتی است که به موجب آنها، صرف عمل مادی بر تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی به عنصر معنوی ندارد. نظیر پارک اتومبیل در مکانهای ممنوعه.

در این میان، آیا جرم شبیه‌سازی انسان واجد رکن معنوی است یا بدون وجود آن نیز محتمل الحصول است؟ نگاهی به تعریف این جرم در ماده ۲ پیش‌نویس، پاسخ بدین پرسش را آسان می‌کند. در ماده مزبور چنین مشعر شده است که هر کس، «عمداً»، در راستای همانندسازی آدمی، مرتکب عملی شود و به نتیجه مورد نظر نایل آید؛ مجرم شناخته می‌شود، لذا، بر این اساس، علاوه بر عنصر مادی جرم که فعل ارتكابی بزهکار باشد، برای تحقق این پدیده مجرمانه، وجود رکن معنوی جرم نیز ضروری است. معمول است که رکن روانی

## بند دوم: دامنه جرم انگاری شبیه سازی انسان

از آنجا که فناوری‌های تولید مثلی واجد انواع گوناگونی نظیر تلقیح مصنوعی، تلقیح در لوله آزمایش است و گونه‌ای از آن نیز «شبیه سازی» است و این گونه اخیر نیز با اهداف خاصی همچون بازآفرینی و در مانی صورت می‌گیرد، در این میان، پرسشی بدین صورت به خاطر خطور می‌کند که در پیش نویس مزبور، دامنه این پدیده به عنوان عملی غیر قانونی واجد پاسخ و واکنش، تا چه اندازه است یا به دیگر سخن، آیا منع همه اشکال آن را شامل می‌شود یا صرفاً گونه‌ای از آنها را در بر می‌گیرد؟

چنانکه پیشتر ذکر شد، در جهت منع این پدیده به ویژه محدوده آن میان دول عضو سازمان ملل اجماعی وجود ندارد و با توجه به تنوع شیوه‌های شبیه سازی، دول عضو صرفاً بر منع سازی بازآفرینی اجماع دارند و در مورد گونه‌های دیگر به ویژه، شبیه سازی با اهداف درمانی، تقابل اندیشه‌ها همچنان برقرار است. گرچه با نگاهی به اسناد سازمان ملل، می‌توان استنتاج نمود که نگرش این سازمان نیز به تنهایی بر منع شبیه سازی تولید مثلی محدود است، اما

در پیش نویس با لحاظ اندیشه تدوین کننده آن، منع همه اشکال شبیه سازی خواه با اهداف درمانی یا بازآفرینی، پیش بینی و در محدوده «جرم» مشمول پیش نویس قرار می‌گیرد. بنابراین، چنانکه از عنوان پیش نویس نیز آشکار است، دامنه و گستره این جرم، وسیع پیش بینی شده و تمامی گونه‌های شبیه سازی را در بر می‌گیرد.

### ۱- مسئولیت اشخاص حقوقی

اصطلاح اشخاص حقوقی در برابر اشخاص حقیقی که دارندگان اصلی حقوق و تکالیف در اجتماع اند، به کار می‌رود و مقصود از آن، گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌هایی است با حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده اند. در واقع، مفهوم شخصیت حقوقی تعبیری اعتباری از تأسیسی حقوقی است که به مرور زمان و با پیشرفت تمدن پدیده آمده است<sup>۱</sup>. بدین گونه، نهادهای مذکور می‌توانند همانند آنچه قانون برای اشخاص حقیقی شناخته است از حقوقی و تکالیفی برخوردار

<sup>۱</sup>- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۲۱.

اشخاص حقوقی، واجد واقعیت قضایی اند و نمی توان وجود آنها را در محدوده قوانین جزایی نادیده انگاشت. به علاوه، اهمیت جرایم این اشخاص از نظر جرم و جرایمی که انجام می دهند و حالت خطرناکی که برای جامعه دارند، یک واقعیت جرم شناختی است.<sup>۳</sup>

در قوانین جزایی ایران مواد صریحی مربوط به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نمی توان دید اما مقنن به صورت متفرقه گاه با صراحت و روشنی و گاه به طور ضمنی و تلویحی به این نهاد توجه و غالب اوقات همان شخص حقوقی را مسؤول و پاسخگو قلمداد نموده است.<sup>۴</sup> اما، با وجود

<sup>۳</sup>- همان.

<sup>۴</sup>-موردی که در این خصوص قابل ذکراند: بند دوم ماده ۱۱ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ و ۲۶ مهرماه ۱۳۰۹ ماده واحده مربوط به ضبط اموال متعلق به احزابی که منحل می شوند مصوب اول تیرماه ۱۳۲۸ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹، ماده ۱ قانون بیمه اجباری ماده واحده قانون الحاق ماده ۲۲۱ مکرر به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۷، قانون نظام صنفی مصوب تیرماه ۱۳۵۹، ماده ۵۶۸ قانون جدید مجازات ۱۳۵۷، ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۶۹، تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی... آذر ماه ۶۹. قابل ذکر است که اخیراً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه

گردند. مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد مانند وظیفه ابولیت، زوجیت و مانند آنها.<sup>۱</sup> سیاست اتخاذی دولت ها در ابعاد ملی و بین المللی در قبال این نهاد، فراز و فرودهای گونه گونی را به همراه داشته است که فرجام آن، اجتماع انسانی بدان تن داده و تا حدودی پذیرای آن شده است.

## الف - حقوق داخلی

در کشورهای مختلف با مسئولیت اشخاص حقوقی در قلمرو کیفری، کم و بیش برخوردهای متفاوتی صورت گرفته است و امروزه، غالباً این مسئولیت با شرایطی از سوی دولت ها پذیرفته شده است. در واقع، اگرچه، هنوز هم فرضیه عدم مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی به قوت خود باقی است اما غالب حقوقدانان از این تئوری حمایت نمی کنند و بر این عقیده اند که واقعیت قضایی و جرم شناختی این اشخاص را باید مد نظر قرار داد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- همان.

<sup>۲</sup>-نوربها، دکتر رضا، زمینه های حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ نهم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴.

اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده در نظام کیفری کشورمان مبالغه و نادرست است»<sup>۱</sup>.

سیاست اتخاذی فرانسه در قبال این مسأله به گونه‌ای دیگر رخ می‌نماید. در حالیکه در حقوق باستانی فرانسه، مسؤولیت اشخاص حقوقی شناخته شده و مجازات‌های مقرر عبارت بود از جریمه خریب دیوار و ابنیه<sup>۲</sup>، بعدها تا قبل از تصویب قانون جزای جدید ۱۹۹۲ که در سال ۱۹۹۴ قابلیت اجرایی یافت، جایی در نظام کیفری این کشور نداشت<sup>۳</sup>. بالاخره،

این، به نظر برخی حقوقدانان کشورمان «سخن از پذیرفتن مسؤولیت کیفری

قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، که توسط کمیته مبارزه با جرایم رایانه‌ای شورای عالی توسعه قضایی شده است، در ماده ۲۳ پیش بینی شده است که اشعار می‌دارد: در موارد زیر، چنانچه جرایم رایانه‌ای مندرج در قانون، تحت نام مشخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی مرتکب دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود:

الف- هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب یکی از جرایم رایانه‌ای شود.  
ب- هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب مندرج در این قانون را صادر نماید و جرم به وقوع پیوندد.

ج- هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی، با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی، مرتکب یکی از جرایم مندرج در این قانون شود.

د- هرگاه مدیر، در ارتکاب یکی از مندرج در این قانون معاونت نماید.

ه- هرگاه تمام یا قسمتی از موضوع فعالیت عملی شخص حقوقی به ارتکاب یکی از جرایم موضوع این قانون اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر در این ماده هر شخصی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارا می‌باشد.

تبصره ۲- مسؤولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود».

به علاوه، ماده ۲۴ نیز به مجازات اشخاص مذکور پرداخته است.

<sup>۱</sup>- اردبیلی، دکتر محمد علی، پیشین، ص ۲۵.

<sup>۲</sup>- علی آبادی، دکتر عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶.

<sup>۳</sup>- در واقع، در قبل از انقلاب ۱۷۸۹، اشخاص حقوقی از جمله شهرها، قصبات و جمعیت‌ها است، مسؤولیت کیفری داشتند و طبق دستورالعمل ۱۶۷۰ عنوان ۲۱ این مسؤولیت مقرر شده بود که ضمانت اجراهای آن جریمه، مصادره و گاهی تخریب دیوارها و حصارهای شهر بود. در قرن ۱۸ علمای حقوق امر را قابل تعقیب و کیفری ندانستند و در خلال تقریباً دو قرن ۱۸ و ۱۹ در قوانین جزایی، مسؤولیت کیفری این اشخاص جایگاهی نداشت تا قانون جزای جدید ۱۹۹۴.

فرج‌اللهی، رضا، بررسی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۶، ص ۳۷ و ۳۸.

با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون مزبور این طلسم شکسته شد و جنبه قانونی به خود گرفت. به موجب ماده ۲-۱۲۱ این قانون:

«اشخاص حقوقی به استثناء دولت، از نظر جزایی مسؤول اند. براساس ملاک‌های مواد ۷-۱۲۱ و ۴-۱۲۱ در محدوده مواد پیش‌بینی شده در قانون یا بخشنامه‌ها در خصوص اعمال مجرمانه‌ای که به حساب آنها، یا توسط سازمان‌های وابسته به آنها و یا بوسیله نمایندگان آنها ارتکاب می‌یابد».

بنابراین، گرچه به نظر می‌رسد پذیرش این نهاد، امر استثنایی در فرانسه تلقی شود، اما به واسطه خلاءهای قانونی و واقعیت داشتن بزهکاری اشخاص حقوقی و لزوم واکنش مناسب قانونی و حمایت از نظم عمومی جامعه در مقابل این نوع بزهکاری<sup>۱</sup>، به رسمیت شناخته شدن این نهاد، تحولی قابل ملاحظه در حقوق جزای این کشور قلمداد می‌گردد. از بین قوانین جزای کشورها، قانون جزای کوبا از لحاظ

<sup>۱</sup>-کوشا، دکتر جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۲۰.

مقررات مربوط به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، حایز مقام ممتازی است. چرا که این قانون مجازاتهای پیش‌بینی شده در مورد اشخاص طبیعی را با مجازات‌های اشخاص حقوقی منطبق ساخته و علل تغییر آن ذکر کرده است مثلاً به جای مجازات اعلام، انحلال مؤسسه تعیین گردیده است و در هر حکم محکومیت، شخص حقوقی باید به پرداخت جریمه محکوم شود و میزان آن متناسب با سرمایه و فعالیت شرکت باشد<sup>۲</sup>. امروزه، در آمریکا مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش واقع شده است. شرکت‌های سهامی، گروه‌های سیاسی و سازمان‌های حرفه‌ای به خاطر اعمال خلاف قانونی که بنام و از طرف شخص حقوقی صورت گرفته، از نظر جزایی شناخته می‌شوند<sup>۳</sup>. در کانادا تا سال

<sup>۲</sup>-علی آبادی، دکتر عبدالحسین، پیشین، ص ۱۳۹.

<sup>۳</sup>-در آمریکا به واسطه مشکل تصور مسؤول شناختن اشخاص حقوقی نه به خاطر اعمال بلکه به خاطر نیات نمایندگانشان پذیرفته نمی‌شدو تا قرن ۱۷ و ۱۸ که وضعیت تغییر کرد. در نیمه قرن ۱۹، دادگاهها مسؤولیت کیفری مؤسساتی را که براساس امتیاز از دولت به انجام خدمات شهری می‌پرداختند و شرکت‌های تجارتی را پذیرفتند. در سال ۱۸۳۴ مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به واسطه ترک فعل مورد قبول قرار گرفت و در سال ۱۹۰۹ توسط



نشده بود. اما، سرانجام، برای نخستین بار، غنچه امید دمید و معاهده جنایات سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰، (معاهده پالمو)<sup>۲</sup>، هنگامه‌ای به یاد ماندنی آفرید که یاد و خاطر آن از اذهان تابعان حقوق بین الملل نخواهد رفت. زیرا که تلنگری بود بر خاطر این تابعان که توجه به این امر در دنیای امروزی و لحاظ آن در اسناد بین الملل و سرانجام دستیابی به اجماع بین المللی در این خصوص نه تنها نیاز جامعه بین الملل بلکه یک ضرورت است.

متعاقب پیش بینی مسئولیت کیفری این اشخاص در معاهده مزبور (ماده ۱۰)<sup>۳</sup>،

۱۹۰۶ اصل بر عدم مسئولیت کیفری این افراد بود و در این سال تعریف «شخص» به این افراد تسری یافت و در سال ۱۹۴۱ در طی چند پرونده مربوط به شرکتی به نام رابینسون مسئولیت کیفری مستقیم و شخصی آنها پذیرفته شد.<sup>۱</sup>

به هر حال، در میان کشورها، به گونه‌ای سیاست جنایی سرگردان حاکم است که پیکان اندیشه‌ها و رویکردها به سوی پذیرش این نهاد در نظام کیفری آنها نشانه رفته است و برای تحقق این امر، نیازمند گذشت زمان و شاید تجربه برآیندهای تردید در قبال آن است.

## ب- رویکرد اتخاذی پیش نویس

به لحاظ سیاست‌های پریشان اتخاذی دول در عرصه حقوق ملی و بین المللی، تا دهه پیشین، مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در صحنه حقوق بین الملل پذیرفته

دادگاه عالی ایالات متحده، قانونی که قصد مجرمانه را به شرکت نسب داد، تصویب گردید.

حسنی، محمد حسن، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، صص ۹۵، ۹۶، ۹۷.

<sup>۱</sup>- حسنی، محمد حسن، پیشین، صص ۱۲۱ و ۱۲۲.

<sup>۲</sup>- Convention of Transnational Organized Crimes, Palermo, 2000.

<sup>۳</sup>- ماده ۱۰ معاهده پالمو:

«۱- هر دولت متعاقدی طبق اصول حقوقی خودش اقداماتی را که برای ایجاد مسئولیت اشخاص حقوقی به خاطر جنایات شدید ارتكابی توسط گروه‌های جنایتکارانه سازمان یافته، همچنین به خاطر جنایات مقرر در مواد ۵، ۶، ۸، ۲۳ ضروری باشد، اتخاذ خواهند نمود.

۲- مسئولیت شخص حقوقی طبق اصول حقوقی هر کشوری می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

کنوانسیون جرایم محیط در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ در بوداپست<sup>۱</sup>، معاهده علیه فساد مالی سازمان ملل ۲۰۰۳ (معاهده مریدا)<sup>۲</sup> به این امر صحنه گذاشت و در ماده ۱۲ و

۳- چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم خللی وارد نخواهد کرد.  
۴- هر دولت متعهدی به ویژه تضمین خواهد کرد که اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسؤول تلقی می‌شوند، تابع ضمانت اجراهای مؤثر، متناسب و بازدارنده کیفری یا غیر کیفری به ویژه ضمانت اجرای مالی قرار خواهند گرفت».

۱- Convention on Cybercrime, Budapest, 23.XI.2001.

۲- United Nations Convention against Corruption.

۳- ماده ۱۲ معاهده جرایم محیط سایر:

«۱- هر یک از دول متعهد به گونه‌ای اقدام به وضع قوانین و مقررات خواهند نمود که در صورت لزوم این اطمینان را بدهد که می‌توان شخص حقوقی را به خاطر ارتکاب جرایم مصوب مندرج در این معاهده که در راستای منافع خود مرتکب شده، تحت تعقیب کیفری قرار دهد. این عمل توسط یک شخص که شخصاً یا به عنوان بخشی از ارکان شخصی حقوقی به فعالیت

می‌پردازد ارتکاب یافته و اداره و هدایت آن شخص حقوقی را به عهده دارد و اختیارات ذیل را داراست:

الف) اختیار نمایندگی شخص حقوقی

ب) اختیار تصمیم‌گیری از جانب شخص حقوقی

ج) اختیار اعمال نظارت بر شخصت حقوقی

۲- در کنار مواردی که در بند ۱

آمده است، هر عضو تدابیری وضع خواهد نمود که در صورت لزوم اطمینان دهد در

جایی که خللاً سرپرستی یا نظارت توسط شخص حقیقی

مندرج در پاراگراف ۱ وجود دارد و این امکان فراهم آمده که

جرایم مندرج مصوب در این معاهده توسط شخص حقیقی

دیگری بر اساس اختیارات خود در آن مجموعه ارتکاب یابد،

امکان اعمال مسئولیت بر آن مجموعه وجود داشته باشد.

۳- مسئولیت شخص حقوقی

طبق اصول حقوقی هر کشور

عضو می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۴- چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص

حقیقی مرتکب جرم خللی وارد نخواهد کرد.

«مسئولیت اشخاص حقوقی» بدان اختصاص

داده است. این ماده اشعار می‌دارد:

«۱- هر یک از دول عضو، وفق

اصول حقوقی خود، تدابیر لازم

را برای ایجاد مسئولیت برای

اشخاص حقوقی در قلمرو یا

تحت قوانین خود اتخاذ خواهند

نمود: چنانچه شخصی که

مسئول اداره یا کنترل این

شخصیت حقوقی است، تحت

این عنوان، مرتکب جرم مقرر

در ماده ۲ شده، شخصیت

حقوقی مسئول شناخته می‌شود.

این مسئولیت می‌تواند کیفری،

مدنی یا اداری باشد.

۲- چنین مسئولیتی به مسئولیت

کیفری اشخاص حقوقی که

طبق این ماده مسئول تلقی

می‌شوند. تابع ضمانت اجراهای

مؤثر، متناسب، بازدارنده

کیفری، مدنی و اداری قرار

خواهند گرفت. چنین ضمانت

اجراهایی می‌توانند به صورت

مالی باشند».

۲۶ با پیش‌بینی مسئولیت جزایی این

اشخاص، مجدداً مهر تأییدی بر جایگاه این

نهاد در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی

زد تا اینکه فرآیند گذار از اندیشه به عمل را

در این زمینه تسهیل کند و جلوه‌ای موجه در

صحنه بین‌الملل بدان بخشد.

از این رهگذر، پیش‌نویس معاهده منع

همه اشکال شبیه‌سازی نیز ماده ۴ را با عنوان

۱- ماده ۲۶ معاهده علیه فسادهای مالی سازمان ملل:

«۱- هر دولت متعاهدی وفق

اصول حقوقی ... اقداماتی را

که برای ایجاد مسئولیت

اشخاص حقوقی مرتکب جرایم

مقرر در این معاهده ضروری

باشد، را اتخاذ خواهند نمود.

۲- مسئولیت شخص حقوقی،

طبق اصول حقوقی هر کشوری

می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری

باشد.

۳- چنین مسئولیتی به

مسئولیت کیفری اشخاص

حقیقی مرتکب این جرم خللی

وارد کرد.

۴- هر دولت متعاهدی به ویژه

تضمین خواهد کرد اشخاص

حقوقی که طبق این ماده مسئول

تلقی می‌شوند، تابع ضمانت

اجراهای مؤثر، متناسب و

بازدارنده کیفری یا غیرکیفری به

ویژه ضمانت اجرایی مالی قرار

خواهند گرفت.»

نویس معاهده مزبور، جنبه قاعده‌ای عرفی به خود می‌گیرد. پرسشی که در این میان مطرح می‌شود اینکه چرا در عناوین مواد راجع به مسئولیت این اشخاص در معاهدات پیش گفته، از عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» یاد شده است؟ اگر عقیده غالب این است که اختلاف اندیشه‌ها در خصوص جنبه کیفری مسئولیت این اشخاص بوده و در زمینه مسئولیت مدنی آنها اجماع در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد، چرا عناوین مواد راجع به این امر به «مسئولیت اشخاص حقوقی» اختصاص یافته است، حال آنکه بر این اساس می‌بایستی عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» برگزیده می‌شد؟

برخی از نویسندگان، در این راستا بر این عقیده‌اند که «اگر یکباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان تنها گزیده قید می‌شد، ضمن اینکه در همان مرحله تدوین و امضاء با مخالفت خیلی از نمایندگانها مواجه می‌گردید، متعاقباً نیز در مرحله تصویب، معاهده به خاطر مغایرت با حقوق داخلی تعداد زیادی از کشورها،

این ماده دولت‌های متعاقد را ملزم می‌کند تا مطابق با نظام کیفری خود، اشخاص حقوقی مرتکب جرم شبیه سازی انسان را مجازات نماید. زیرا امروزه، در عمل، به اثبات رسیده است که همان قابلیت‌هایی را که اشخاص حقیقی و طبیعی برای ارتکاب جرم دارند اشخاص حقوقی نیز برخوردارند. به ویژه، با نگاهی به شبیه سازی انسان که فرآیندی است نیازمند وجود لابراتوارها و امکانات پیچیده و گرانمایه و بیش از آنکه به وسیله افراد حقیقی صورت گیرد، بیشتر به وسیله اشخاص حقوقی است که تبلور خواهد شد؛ اهمیت پیش‌بینی مسئولیت کیفری این گونه افراد و خطرات بالقوه و بالفعل آنها بر جامعه انسانی در صورت عدم لحاظ این امر، بیش از پیش پدیدار می‌گردد.

بدیهی است، در این خصوص که این اشخاص مانند اشخاص حقیقی دارای مسئولیت‌اند، اختلافی وجود ندارد. بلکه مسأله اساسی که تقابل اندیشه‌ها را حادث شده است، مسئولیت کیفری این اشخاص بوده و هست که این امر نیز در عرصه حقوق بین‌الملل، نظر با عنایت به معاهده پالمو، فساد مالی و اینک پیش

عنوان مثال ماده ۴، پیش نویس کنوانسیون منع همه اشکال شبیه سازی<sup>۳</sup> با دیدی فراتر از حرف مسئولیت کیفری به این مسأله نظر داشته و در کنار مسئولیت مدنی و اداری یا انتظامی و مالی مسئولیت کیفری را پیش بینی نموده است. بنابراین از آنجا که مفهوم مسئولیت اشخاص حقوقی «مفهومی است که عام و شامل هرگونه مسئولیت اعم از کیفری، مدنی، اعم از کیفری، مدنی، اداری یا انتظامی و مالی می شود و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشخاص حقوقی اخص از این مفهوم است. به نظر می رسد که نه تنها تدوین کنندگان این معاهدات آگاهانه این را برگزیده اند که وفق اصول و قواعد حقوقی نیز گام برداشته اند.

### نتیجه گیری

در کوتاه سخن، به عنوان نتیجه می توان گفت که بنا بر آنچه از نظر گذشت، پیش نویس، فرایندی را به تصویر کشیده است که با جرم انگاری گونه های شبیه سازی انسان آغاز می گردد و با کشف و شناسایی، تعقیب، تحقیق و محاکمه و سرانجام

<sup>۳</sup> - ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو و ماده ۳۹ کنوانسیون فساد ملی سازمان ملل.

اقبال کمتری پیدا می کرد». <sup>۱</sup> اگر بتوان با لحاظ اینکه معاهده پالرمو، نخستین سندی است که مسئولیت این اشخاص را پیش بینی نمود و به واسطه مخالفت برخی از نویسندگان، در این راستا، بر این عقیده اند که «اگر یکباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان تنها گزینه قید می شد ضمن اینکه در همان مرحله تدوین و امضاء با مخالفت خیلی از نمایندگان هم مواجه می گردید، متعاقباً نیز در مرحله تصویب، معاهده به خاطر مغایرت با حقوق داخلی تعداد زیادی از کشورها، اقبال کمتری پیدا می کرد». <sup>۲</sup> اگر بتوان با لحاظ اینکه معاهده پالرمو، نخستین سندی است که مسئولیت این اشخاص را پیش بینی نمود و به واسطه مخالفت ها در قبال آن انتخاب این عنوان را قابل توجیه دانست، به چه دلیل است که این

رویه در کنوانسیون فساد مالی سازمان ملل و نیز این پیش نویس، باز تکرار از همین عنوان استفاده شده است؟ به نظر می رسد، پاسخ این ابهام در مواد مزبور است: زیرا به

<sup>۱</sup> سلیمی، دکتر صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۴۱.

<sup>۲</sup> سلیمی، دکتر صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۴۱.

بازیگر منفعل، نیازمند عنایت به ادله، شهود و شواهدی است که بایستی مورد حمایت قرار گیرد. زیرا برای اثبات وقوع بزهکاری و ارتکاب رخدادهای جنایی نظیر شبیه‌سازی انسان، حسب مورد، گزارش فرد ناظر آن، نظریه کارشناسی، ادای شهادت یک شاهد و اظهارات یک مطلع نیز دلایلی تلقی می‌شوند که برای حفظ این چنین شرایطی که حامی عدم تضييع حقوق این قربانی می‌شود. بایستی در این پیش‌نویس به مانند دو معاهده پیشگفته پیش‌بینی گردد و به موجب آن، الزامی برای دول متعاقد مبنی بر تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری و غیر کیفری برای عاملان ممانعت از اجرای عدالت قضایی ایجاد گردد.

از سوی دیگر، نظر به اینکه اجماع تابعان حقوق بین‌الملل بر منع یک پدیده و پیشگیری از وقوع آن، بیانگر اهمیت و شدت خطرات آن برای جامعه بین‌الملل و ضرورت پاسخ در قبال آن از سوی جامعه مزبور است. به نظر می‌رسد، برای تضمین هر چه بیشتر مصونیت اجتماع بین‌الملل در مقابل خطرات این واقعه، در مقام بار اثبات وقوع این امر بایستی اماره مجرمیت را بر فرض براءت مقدم نمود و به مانند سایر

ضمانت اجرا، با ابتنا بر همکاری دول متعاقد، فرایند مزبور را به پایان می‌رساند و چنانکه مرقوم است، دولت‌های عضو با الزام بر امر تشریک مساعی، وفق حقوق و قوانین داخلی خود، بایستی به روند مزبور جامعه عمل بپوشانند و در این راستا هیچگونه استثنایی از سوی دول مورد پذیرش نیست.<sup>۱</sup> اگر چه پیش‌نویس، با تأسی از کنوانسیون بین‌الملل سرکوب تروریسم مالی ۱۹۹۹ تهیه گردیده است. به نظر می‌رسد که بایستی نظر به معاهداتی نظیر کنوانسیون علیه جنایات سازمان یافته فراملی سال ۲۰۰۰ پالمو (ایتالیا) و معاهده علیه فساد مالی ۲۰۰۳ مریدا (مکزیک) بازبینی گردد. عنایت به حقوق متهم و به ویژه جبران خسارت وارد بر فرد بزده دیده اعم از مستقیم (خود قربانی یا مجنی علیه) یا غیر مستقیم (خانواده و جامعه) که در قالب «بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه» جای می‌گیرد. اگر چه روزنه‌امیدی است که روند حمایت از این بازیگر منفعل سناریوی پدیده مجرمانه را بیش از پیش در عرصه حقوق کیفری بین‌الملل به همراه داشته باشد، اما دفاع هر چه بیشتر از حقوق این

<sup>۲</sup> - ماده ۱۳ پیش‌نویس.

عمومی، هنگامه آفرید و بستر خلاقیت خود را گستراند و بر این اساس، تا سال ۲۰۰۵، این اقدامات معلق خواهد بود.

جرایم (جنایات) که در حقوق بین الملل واجد پاسخ اند، بار اثبات عدم ارتکاب این پدیده جنایی را برعهده متهمان گذاشت. به یقین با معکوس کردن بار اثبات جرم، هرگونه مفر و راه فرار بر بزهداران این رخداد مجرمانه که بیشتر در قالب مجرمان یقه سپید پدیدار می گردند، مسدود می گردد.

نباید ناگفته گذاشت، در طی روند تکوین این سند بین المللی، کشورمان در هیچ مرحله ای مشارکت نداشته است. این در حالی است که کشورمان نیز به عنوان تابعی از حقوق بین الملل، بایسته است به ویژه با تاکید بر ایدئولوژی های اسلامی که مبین حفظ کرامت انسانی و دفاع از تنوع انسانی است، منع این فن آوری را در خصوص آدمی ترغیب نماید. از این رو، در راستای تحقق این آرمان، شایسته و بایسته است که گام بردارد و همگام با دیگر دول، با تشریک مساعی و همکاری با آنها، داعیه منع و جرم انگاری این پدیده را در قلمرو حقوق ملی و بین المللی سر دهد. اگر چه نبایستی نادیده گرفت که کشورمان با پیشنهاد به تعویق انداختن دوساله اتخاذ اقداماتی در قبال شبیه سازی آدمی در مجمع